

به نام خدا

## شاخصه های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم

احد داوری<sup>۱</sup>

هاجر جهانپنده<sup>۲</sup>

### چکیده

دین اسلام با ارائه جامع‌ترین برنامه برای تعالی بشر در همه ساحت‌های مادی و معنوی و در ابعاد نظری و عملی، پس از استقرار سیاسی و اجتماعی و تنظیم روابط داخلی و خارجی، به سرعت توانست بنیانگذار تمدنی شگرف در جهان شود و بتواند زمینه اولیه رسیدن انسان به سعادت را که هدف آفرینش وی است فراهم نماید. این نوشتار با تحلیل آیات معرف‌نمایه‌های تمدن اسلامی به بررسی شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن پرداخته است تا بیانگر اصلی‌ترین راهبردهای فتح‌قله‌های تمدن بشری باشد. از دیدگاه قرآن مجید اطاعت از خدا و ولی او، عدالت، وحدت، امنیت، نظارت همگانی و مشورت در امور از مهمترین شاخصه‌های تمدن اسلامی می‌باشد که اگر دنیای اسلام این اصل‌ها را محور برنامه‌های خود قرار داده و بر مبنای آن، تمدن نوین اسلامی را بنا نماید؛ با ارائه برترین تمدن جهانی به جامعه بشریت تمدنهای مادی و پوشالی را در هم شکسته و همه ملت‌ها را ساکن مدینه فاضله خواهد نمود.

**کلید واژگان:** قرآن کریم، تمدن اسلامی، شاخصه تمدن، حکومت اسلامی، عدالت، وحدت، نظارت، امنیت.

---

۱ دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ، ahaddavari@gmail.com

۲ دانش آموخته کارشناسی رشته علوم قرآنی دانشکده علوم قرآنی مراغه ؛ hajar2341@chmail.ir

## مقدمه

از روزی که بشر زندگی خود را بر روی کره خاکی آغاز کرده است، برای ادامه حیات دست به اقداماتی زده است؛ و در این طی طریق، دین به عنوان یکی از مهمترین انگیزه‌ها و محرکه‌هایی بوده است که در دستیابی بشر به مراتب مختلف تمدن سازی نقش و تأثیر بسزایی داشته است. اسلام نیز به عنوان کاملترین دین الهی، بیشترین نقش را در سعادت دنیوی و اخروی بشر داشته و تمدن شگرفی در افق تاریخ پدیدار ساخت؛ چرا که مسلمانان، مالک اندیشه‌ها و کمال مطلوبهای مبتنی بر وحی بودند. (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۴، ص ۵۷) و قرن‌ها در علوم و فنون پیشرو گردیدند و سالیان دراز، رقیبی در پیشرفت و تعالی نداشتند؛ روحی که بر تمدن اسلامی حاکم است با روح همه تمدنهای دیگر فرق دارد، و خودش دارای روحی اصیل است. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶) و تمدنی مذهبی و معنوی می‌باشد. (مطهری، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۲۶۲) در پرتو جنبه معنوی این تمدن، جنبه‌های مادی آن نیز مجال رشد می‌یابد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۶) دین مقدس اسلام با توسعه تمدن و فرهنگ نیز سازگار است و با صور متغیر زندگی قابل انطباق است. (ر.ک، مطهری، ۱۳۵۳، ص ۱۲۷) از این رو باید نمایه‌ها و شاخصه‌های تمدن اسلامی به دقت مورد بررسی و باز شناسی همه ملت‌های آزاده قرار گیرد، چرا که نجات بشریت از پوچی‌ها جز در گرو اسلام عزیز نخواهد بود و همین مسئله ضرورت و اهمیت این نوشتار را نمایان می‌سازد. حال این سؤال مطرح می‌باشد که تمدن اسلامی دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی می‌باشد؛ و قرآن کریم چه چیزهایی را مشخصه این حکومت و تمدن الهی معرفی می‌کند؟

قرآن کریم، نظام نامه تمدن اسلامی است و تمدن اسلام بدون این رکن اساسی، نمی‌تواند دوباره ظاهر شده و شکوه حقیقی خود را باز یابد؛ و اگر بخواهیم مبانی این تمدن بزرگ و شاخصه‌های آن را شناسایی کنیم، باید به قرآن مراجعه کنیم. این مقاله به بررسی مشخصه‌های تمدن اسلامی و ملاکها و معیارهای آن در آخرین کتاب آسمانی می‌پردازد و در یک روند نوآورانه مهمترین شاخصه‌های اجتماعی تمدن اسلامی در آیات و تفاسیر مورد باز یابی و تأمل قرار داده است. در بررسی‌های به عمل آمده، مطالب جامعی در باب شاخصه‌های تمدن اسلامی به دست نداد و این خود بیانگر لزوم و اهمیت بررسی مهمترین شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم می‌باشد.

## مفهوم شناسی:

از آنجا که واژه شناسی کلمات اصلی در نوشته سبب تبیین هرچه بهتر موضوع و پیشگیری از التباس معنایی می‌شود؛ از این روی واژه «تمدن» هم از جنبه لغوی و هم از جهت استعمال آن در اصطلاح، مورد بررسی قرار گرفته است.

## معنای لغوی واژه «تمدن»

تمدن به معنای خروج از جهل و ورود به راه و رسم انسانیت و ترقی است. (قرشی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۲۴۴) و بیشتر جنبه‌های مادی پیشرفتهای‌های انسانی، مانند معماری، شهر سازی و فن آوری را در بر می‌گیرد. (ولایتی، ۱۳۸۹، ص ۲۰) و معادل واژه حضاره در عربی می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۷) ابن خلدون تمدن را اجتماعی شدن انسان می‌داند. (دورانت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳) تمدن در لغت به معنای شهرنشینی و تخلق به اخلاق اهل شهری می‌باشد. انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، و نیز مرفه شدن و در ناز و نعمت بودن را متمدن شدن گویند. (بندر ریگی، ۱۳۷۷، ص ۵۲۷) افزون بر این، مؤلف کتاب التحقیق واژه مدن را مأخوذ از لغت عبری و سریانی دانسته و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده دین و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها و قوانین می‌داند که نقش اساسی در مدنیت انسان دارد. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۵۵)

## معنای اصطلاحی واژه «تمدن»

تمدن در اصطلاح، نظمی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود. (ویل دورانت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳) در مجموع، تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی در یک قلمرو پهناور را شامل می شود و همان نظم اجتماعی‌ای است که به آداب، رسوم، هنر، علوم، تأسیسات و فعالیت‌های انسانی داده شده و با محیط جغرافیایی و اجتماعی تطبیق پیدا کرده است. از این رو، می توان تمدن را همان نظم، شیوه و ترتیب نهادها در بستر جامعه دانست که با فرهنگ آن جامعه گره خورده است. (ر.ک، ولایتی، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۲۱)

### تمدن اسلامی:

دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی هست که برای اداره فرد و جامعه و پرورش انسانها، از طریق وحی و عقل در اختیار بشریت قرار گرفته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۷) و در میان همه ادیان، اسلام دین حقی است که ره آورد همه انبیا است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹) و اگر کسی جز آن را بیاورد مقبول درگاه حق نخواهد بود. «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران، ۸۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). اسلام تنها دینی است که خود بنیانگذار یک تمدن همه جانبه می باشد. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۲) و از آنجا که آخرین و کاملترین دین می باشد؛ و به همین دلیل همه شئون زندگی بشر را پوشش داده است و حکومت و سیاست نیز چنان با اسلام گره خورده است که اگر کسی بخواهد حکومت و سیاست را از اسلام جدا کند در واقع تلاش کرده است که اسلام را از اسلام جدا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۰)

تشکیل حکومت که بنای اول یک تمدن می باشد، در یک جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است و در تمام جوامع بشری نوعی از حکومت و زعامت وجود داشته است؛ چرا که زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی، بدون نظم و قانون و حاکمیت مقتدر حتی یک روز نیز دوام نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۱) قرآن با تعبیری که در آیه ۲۴۶ سوره بقره «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ اَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و بسیاری دیگر از آیات دارد، نشان می دهد که بدون تشکیل حکومت، رسیدن به آزادی و آرامش اجتماعی و سایر آرمانهای الهی ممکن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۲)

هدف نهایی از تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی، و هدف از ایجاد تمدن اسلامی، بهتر زیستن بشر و فراهم آوردن مقدمات برای سیر الی الله و قرب به خدا و تکامل روحی و معنوی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۱۵۱) و در آیه ۲۶ سوره ص خداوند به مقام خلیفه الهی اشاره دارد: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» ای داود به درستی که ما تو را جانشین در زمین قرار دادیم و تدبیر امور مردم را به تو واگذار کردیم. «فَاخُكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» پس میان مردمان به درستی حکم کن. (حسینی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۱۹۰) مقام خلافت شرعی و مذهبی یک نوع نمایندگی خاصی از طرف پروردگار می باشد و تعیین خلیفه هم باید از جانب خداوند باشد. (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۱۷، ص ۲۸) خواه پیامبر باشد یا امام معصوم یا ولی فقیه که قائم مقام امام معصوم است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۲۱۷) و «فَاخُكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» یعنی امور بندگان را تفصیل بده و منظور از حق، قرار دادن هر چیزی در جای خود می باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱، ص ۹۴). با این توضیح می توان مهم‌ترین شاخصه های تمدن اسلامی را از منظر قرآن چنین برشمرد:

### ۱- اطاعت از پیامبر و اولوالامر:

اطاعت و فرمان برداری در برابر رهبر یک گروه یا جامعه از اصول اساسی بقای آن جامعه می باشد؛ چنان چه فردی در رأس حکومت یک جامعه قرار بگیرد ولی مردم آن جامعه اعتنایی به وی نکنند، دستورات او را اجرا نکنند و هرکس باب میل خود رفتار نماید؛ به زودی آن جامعه از هم پاشیده و نابود خواهد شد. در اسلام و تمدن اسلامی این پیروی و اطاعت از

اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد؛ چنان که آیات بسیاری در قرآن کریم به این اصل اشاره کرده و آن را در طول اطاعت از خداوند قرار داده است. در اصل روح اسلام همان تسلیم است، آن هم تسلیم بی قید و شرط در برابر فرمان خدا. این معنی در آیات مختلفی از قرآن با عبارات گوناگون منعکس شده است. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش مطلبی را لازم بدانند، اختیاری از خود در برابر فرمان خدا داشته باشند. (احزاب، ۳۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۱۸)

بدیهی است که نه خدا نیازی به اطاعت و تسلیم مردم دارد و نه پیامبر چشمداشتی به اطاعت دیگران دارد. کسی که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند گرفتار گمراهی آشکاری شده و راه سعادت را گم می کند و به بیراهه و بدبختی کشیده می شود. یک تمدن و جامعه نیز در اثر طغیان و عدم فرمان پذیری، محکوم به نابودی خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۱۸-۳۱۹) چه کسی آئینش بهتر است از آن کس که با تمام وجود خود تسلیم پروردگار شده و نیکوکار است. «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ» (نساء، ۱۲۵) هر انسانی به مقدار تسلیمش در برابر حق از روح اسلام برخوردار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۲۹)

در آیه ۲۵۷ سوره بقره خداوند وضع مؤمنان و کافران را از نظر راهنما و رهبر مشخص می کند و می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. و در پرتو این ولایت و رهبری، آنها را از ظلمتها به سوی نور خارج می سازد. «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» اما جامعه ای که کافر شدند، اولیاء آنها آنها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون می برند. نور منبع حیات و همه برکات و آثار حیاتی، و سرچشمه رشد و نمو و تکامل و جنبش و تحرک می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۵) و مردم در حکومت اسلامی با اطاعت از رهبر و امام و پیامبر، در زیر بیرق حکومت خداوند قرار می گیرند و در مصاف با دشمنانی که حکومت و تمدن اسلامی را تحدید می کنند، برترین پشوانه را دارند. خداوند با صراحت می فرماید: «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا أَنَّ اللَّهَ مَوْلِيكُمْ» بدانید پیروزی برای شما و شکست در انتظار کافران است. زیرا خداوند مولی و سرپرست شماست. (انفال، ۴۰) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۶۷-۱۶۸)

در آیه ۸۰ سوره نساء اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده است؛ چنان که هر کس اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کند اطاعت خدا کرده است. بنابراین اطاعت خدا از اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جدا نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ گامی بر خلاف خواست خداوند بر نمی دارد، سخنان و کردار او همه مطابق فرمان خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۴). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هم در مسائل اجتماعی و هم فردی و خصوصی، هم در مسائل مربوط به حکومت، و هم قضاوت و دعوت، از هر انسانی نسبت به خود او اولی است، کسی نمی تواند بگوید قرآن را قبول دارم ولی حدیث و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را قبول ندارم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵) هیچ یک از شما به حقیقت ایمان نمی رسد، مگر زمانی که خواست او تابع آنچه من از سوی خدا آورده ام باشد. (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۱۹) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای مقام عصمت می باشد و به مصداق «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۳-۴) هر چه می گوید سخن خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۰۳) و هنگامی که می بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طبق حدیث ثقلین که در منابع معروف اسلامی اعم از منابع اهل تسنن و شیعه آمده است، صریحا احادیث اهل بیت علیهم السلام را سند و حجت شمرده است؛ استفاده می کنیم که اطاعت از فرمان اهل بیت نیز از اطاعت فرمان خدا جدا نیست، و کسی نمی تواند بگوید من قرآن را می پذیرم ولی احادیث اهل بیت علیهم السلام را نمی پذیرم، زیرا این سخن بر ضد آیه فوق و آیات مشابه آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴،

ص ۲۶) و لذا در روایات متعددی در ذیل آیه وارد شده می‌خوانیم: خداوند طبق این آیه حق امر و نهی به پیامبر خود داده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز چنین حقی را به علی علیه السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام داده است، بنا براین مردم موظفند که از امر و نهی آنها سرباز نزنند، زیرا امر و نهی آنها همواره از طرف خدا است نه از خودشان. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۳) و در آیه ۶ سوره احزاب به این مطلب پرداخته شده است و در روایات بسیاری آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این اولویت را برای امامان معصوم علیهم السلام نیز قائل بودند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۳۱) (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۳۷)

خداوند می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران، ۱۳۲) فرمان خدا و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت الهی شوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۹) و در آیه ۷۱ سوره توبه آمده است که مؤمنان اطاعت فرمان خدا و پیامبر او می‌کنند. «وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» خداوند آنها را به زودی مشمول رحمت خویش می‌گرداند «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» کلمه رحمت که در اینجا ذکر شده مفهومی بسیار وسیع دارد که هر گونه خیر و برکت و سعادت را در این جهان و جهان دیگر، در بر می‌گیرد و می‌تواند تفوق اجتماعی و حاکمیت بر کل جهان را نیز شامل باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۷ و ۳۶) آیه ۳۳ سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز به بحث اطاعت مؤمنان اشاره دارد.

آیه ۵۹ سوره نساء و چند آیه بعد نیز درباره مهمترین مسئله تمدن اسلامی، یعنی مسئله رهبری بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۴) همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولوا الامر در آیه مذکور، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنها سپرده شده است، و غیر آنها را شامل نمی‌شود، و کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است، نه به خاطر اینکه اولوا الامرند، بلکه به خاطر اینکه نمایندگان اولوا الامر می‌باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۶) اولوا الامر باید رهبر جامعه اسلامی باشد و حکومت اسلامی و حل و فصل مشکلات مسلمین به وسیله او انجام شود. و آیه منحصر به زمان معینی نیست و وظیفه مسلمانان را در تمام اعصار و قرون روشن می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۴۱)

## ۲- وحدت اجتماعی:

یکی دیگر از شاخصه های تمدن اسلامی وحدت و یک رنگی حاکم بر جامعه الهی می باشد. قرآن کریم تفرقه - چه تفرقه میان دولت‌ها، چه تفرقه میان ملت‌ها و دولت‌ها، چه تفرقه بین مسلمانان و چه بین فرق مختلف اسلامی و چه تفرقه میان مسلمانان و غیر مسلمانان - را یکی از مهم ترین مشکلات جهان اسلام و اساسی ترین آسیب‌ها در دستیابی به تمدن اسلامی می‌داند که به وسیله استعمار گران ساماندهی می‌شود. در آیه ۶۴ سوره آل عمران به این موضوع اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۳) اسلام بردگی و استعمار فکری را یک نوع عبودیت و پرستش غیر خداوند می‌داند و به همان شدتی که با شرک و بت پرستی مبارزه می‌کند، با استعمار فکری که شبیه بت پرستی است نیز می‌جنگد و مسلمین باید از هر گونه سرسپردگی به اغیار خودداری نموده و وحدت خود را حفظ نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۵)

در آیه ۵۹ سوره نساء و آیه ۱۰ سوره حجرات نیز مسئله وحدت مسلمین مورد تأکید قرار گرفته است. در فقه اسلامی در کتاب جهاد بحثی تحت عنوان قتال اهل البغی مطرح است که منظور از آن، ستمگرانی است که بر ضد امام عادل و پیشوای راستین مسلمین قیام می‌کنند، و برای آنها احکام فراوانی است که در آن باب آمده است که باید با تمام شدت با آنها مبارزه

شود؛ چون وجود آنها مانع وحدت در جامعه اسلامی و موجب ایجاد تفرقه می باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۶۹)

جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است. دین اسلام سطح پیوند علائق دوستی مسلمین را به قدری بالا برده که به صورت نزدیکترین پیوند دو انسان با یکدیگر آن هم پیوندی بر اساس مساوات و برابری، مطرح می‌کند، و آن علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر است. و این علقه و اتحاد از برترین هم بستگی‌ها هست که در تمدنها و جوامع دیگر نظیر آن دیده نشده است. در مراسم حج که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می‌شوند؛ این علاقه و پیوند و همبستگی نزدیک، کاملاً محسوس است و صحنه‌ای است از تحقق عینی این دست آورد مهم اسلامی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۲) چنان چه در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام و امام صادق علیه‌السلام آمده است: «المسلم اخو المسلم، لا يظلمه، و لا يخذله، و لا يسلمه» مسلمان برادر مسلمان است، هرگز به او ستم نمی‌کند، دست از یاریش بر نمی‌دارد، و او را در برابر حوادث تنها نمی‌گذارد. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۹، ۹) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۲۵۶) و نیز امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «المؤمن اخو المؤمن، كالجسد الواحد، اذا اشتكى شيئا منه وجد ألم ذلك في سائر جسده، و ارواحهما من روح واحدة» مؤمن برادر مؤمن است، و همگی به منزله اعضاء یک پیکرند، که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها را نماند قرار، و ارواح همگی آنها از روح واحدی گرفته شده است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۳) یکی از حقوق مسلمانان بر یکدیگر مساله یاری کردن و اصلاح ذات البین است به ترتیبی که در آیات و روایت آمده است و این بهترین راه برای ایجاد همبستگی در بین آحاد جامعه است. (ر.ک، مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۵، ص ۱۴۸)

آیه ۴۶ سوره انفال نیز از آیاتی است که مردم را به وحدت و عدم نزاع فرا می‌خواند «وَلَا تَنَازَعُوا» و در آیه ۱۳ سوره حجرات مخاطب کل جامعه انسانی است؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» و مهمترین اصل ضامن نظم و ثبات جامعه، که وحدت کلمه و مسالمت آمیز بودن روابط است، را بیان می‌کند و میزان واقعی ارزشهای انسانی را در برابر ارزشهای کاذب و دروغین مشخص می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۹۶) از آنجا که همه افراد جامعه انسانی از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسب و قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای هر قبیله و طائفه‌ای ویژگی‌هایی آفریده است، برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است، چرا که این تفاوتها سبب شناسایی است، و بدون شناسایی افراد، نظم در جامعه انسانی حکم فرما نمی‌شود. قرآن مجید می‌افزاید: گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۹۷) و در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران نیز به تألیف بین قلوب مسلمانان اشاره کرده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳۴) و در آیه ۶۳ سوره انفال خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: مؤمنان مخلصی که گرد تو را گرفته‌اند و از هیچ گونه فداکاری مضایقه ندارند، قبلاً مردمی از هم پراکنده و با یکدیگر دشمن بودند؛ خداوند نور هدایت بر آنها پاشید و در میان دل‌های آنها الفت ایجاد کرد. «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳۱)

عنصر تعاون در پیشرفت تمدنها نقش عظیمی را ایفا کرده است. قرآن به صراحت انسان‌ها را به وحدت و یکدلی و اطاعت از حاکمان الهی فرا می‌خواند و در سایه آن مردم را از پراکندگی نهی می‌کند تا به پیشرفت و تعالی برسند. (آل عمران، ۱۰۳) «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰) و اصرار و تاکید قرآن مجید در این آیات، درباره اجتناب از تفرقه و نفاق است. (آل عمران، ۱۰۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳) «المؤمنون كالتفص الواحد» مؤمنان همچون یک روحند. (کلینی، ۱۳۷۵، ۱۶۶، ۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۳) بی‌شک نتیجه اختلاف و

نفاق ذلت و خواری است و سر ذلت و خواری هر ملت را در اختلاف و نفاق آنان باید جستجو کرد، جامعه‌ای که اساس قدرت و ارکان همبستگی‌های آن با تیشه‌های تفرقه در هم کوبیده شود، سرزمین آنان برای همیشه جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴) و در این راستا به مومنان هشدار داده می‌شود که کافران و منافقان را به جای مومنان تکیه گاه و ولی خود انتخاب نکنند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء، ۱۴۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۹)

### ۳- شوری و مشورت:

مشورت در امور کشوری و حکومتی از مسائل مهمی می‌باشد که در بقای یک تمدن نقشی اساسی ایفاء خواهد کرد چنانکه در هر حکومت و نظامی وجود اتاق فکر که مغز متفکر جامعه می‌باشد، در هر رده ای از اجتماع از ضروریات می‌باشد و از این روی در آیه ۳۸ سوره شوری «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» مهمترین مسأله در اداره امور اجتماعی، اصل شوری عنوان شده است که بدون آن همه کارها ناقص خواهد ماند. یک انسان در هر مقامی که باشد و هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقلها و تجارب و دیدگاههای مختلف به کمک هم بشتابند، مسائل کاملا پخته و کم عیب و نقص می‌گردد، و از لغزش دورتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۶۳)

قرآن مجید در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به زنده کردن شخصیت مسلمانان و تجدید حیات فکری و روحی آنان دستور می‌دهد و می‌فرماید: «شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ» در کارها با مسلمانان مشورت کن و رای و نظر آنها را بخواه. (هر چند نتیجه مشورت درپاره‌ای از موارد، سودمند نباشد). (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۲) زیرا از نظر کلی منافع مشورت بیشتر است و اثری که در آن برای پرورش فرد و اجتماع و بالا بردن شخصیت آنها وجود دارد از همه اینها بالاتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۳) «الْأَمْرُ» لفظی است عام برای همه افعال و اقوال می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۰) «فِي الْأَمْرِ» یعنی در جنگ و سایر اموری که در باره آن وحیی از جانب خداوند نیامده باشد. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۶) (شبر، ۱۴۱۲، ص ۱۰۲) مشورت می‌تواند در میان همه امت و برای همه کارهای اجتماعی باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷۹) غیر از احکام الهی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴۹) در واقع امر یعنی حوادث و پیش آمدهای عمومی که همه مردم جامعه در سود و زیان آنها شراکت دارند. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۹۷) و شامل جمیع امور دنیوی هست. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۸۹) و در همه امور اجتماعی که روی تشخیص مردم و صلاح دید افراد می‌باشد، واقع خواهد شد. و فعلا این معنی در حکومتها و تصویب قوانین مملکتی صورت خارجی دارد. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۱۱۷)

امر به مشاوره برای نکات چندی است: یکی تشویق مومدم و ایجاد عزت در آنها که بگویند ما کسانی هستیم که حاکم جامعه اسلامی ما را طرف مشاورت قرار داده، دیگر اینکه اینها سر خود کاری نکنند؛ لا اقل بگویند ما هم اگر عملی انجام خواستیم بدهیم با حضرت رسول مشورت کنیم تا آن حضرت صلاح و فساد آن را بآنها گوشزد نماید. سوم آنکه بدانند که در کارها باید با یکدیگر مشورت کنند و این امری است بسیار ممدوح، چهارم آنکه در مشاورت با آنها، بواطن آنها معلوم می‌شود و منافق از موافق، دوست از دشمن تمیز داده می‌شود. و فساد ارجاع امر خلافت به شوری شش نفره توسط عمر و فساد شورای سقیفه در موضوع خلافت و فساد شورای دار الندبه و هزارها مجالس شوری که بر خلاف مصالح دین و دنیای مسلمین تشکیل می‌شود، نمایان است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۰۹-۴۱۰) مشورت، مردم یک جامعه را از بند تقلید و ترس

فکری برون می‌آورد و شجاعت نظر و فکر و ابتکار و شخصیت روحی می‌دهد، تا هر یک در حد استعداد ذاتی، دارای جاذبه و تحرک می‌گردند. این با ارزشترین اثر مشورت است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۴)

موضوع مشاوره در اسلام با اهمیت خاصی همراه هست. اصولاً جوامعی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب‌نظران آنها به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۴) «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران، ۱۵۹)

#### ۴- امنیت در اجتماع

امنیت در اصل آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۵) اسلام امنیت را از اهداف، و در عین حال از شاخصه های تمدن می‌داند. (رک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۳۷) در آیه ۱۱۲ سوره نحل در ارتباط با این موضوع مهم، به امنیت یک آبادی اشاره کرده است که می‌تواند مصداقی از امنیت در یک جامعه وسیع و یک تمدن گسترده باشد. این آبادی آن چنان امن و امان بود «مُطْمَئِنَّةً» که ساکنانش با اطمینان در آن زندگی داشتند و هرگز مجبور به مهاجرت و کوچ کردن نبودند. علاوه بر نعمت امنیت و اطمینان، انواع روزی‌های مورد نیازش به طور وافر، از هر مکانی به سوی آن می‌آمد. «يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» ولی سرزمینشان چنان ویران و جمعیتشان چنان پراکنده شد که عبرتی برای همگان گشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۲۹-۴۳۲) تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی‌کند، و تا امنیت و اطمینان در کنار هم نباشند کسی علاقه‌مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی خود و مملکت خود نمی‌شود. و این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد و آزاد و تمدنی بالنده داشته باشند، باید قبل از هر چیز به مسأله امنیت پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت، و به دنبال آن چرخهای اقتصادی را به حرکت در آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۳۳)

#### ۵- عدالت اجتماعی

یکی از شاخصه های حکومت اسلامی عدل محوری می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۱۷) عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌گردد، آسمانها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۶۶) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۹۰) این آیه به عنوان یک دستور العمل کلی اسلامی و یکی از مواد قانون اساسی اسلام است که همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. احیای اصل عدل کافی است تا دنیایی آباد، آرام و خالی از هر گونه بدبختی و فساد داشته باشیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۷۲)

مسلمین باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنند. باید آن چنان عدالت را اجرا کنند که کمترین انحرافی به هیچ طرف پیدا نکند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۶۲) آیه ۱۳۵ سوره نساء توجه فوق العاده اسلام به مسأله عدالت اجتماعی را کاملاً روشن می‌سازد و انواع تأکیدیاتی که در این چند جمله بکار رفته است نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه در این مسأله مهم انسانی و اجتماعی، حساسیت دارد، چرا که برترین نماد و شاخصه ترقی یک حکومت و اصالت یک تمدن، میزان اجرای حقوق بشر و میزان و نحوه برقراری عدالت در جامعه اسلامی است. (رک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۶۴) شهید مطهری می‌گوید: غلبه اسلام، غلبه عدالتخواهی و پرهیز کاری بر ستمگری و تبهکاری بود. (مطهری، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۵۱)



در این دین آسمانی هیچ مفهوم اجتماعی به اندازه عدالت مورد توجه و اشاره قرار نگرفته باشد. چنان که در قرآن کریم هدف از رسالت پیامبران الهی همان برپایی قسط و عدل بیان شده است، آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل نمودیم تا مردم به عدالت و انصاف برخیزند. (حدید، ۲۵) عدالت مفهوم وسیعی دارد که همه اعمال نیک را در بر می‌گیرد، زیرا حقیقت عدالت آن است که هر چیز را در مورد خود به کار برند و به جای خود نهند. (اعراف، ۲۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۴۳) نظام نامه اسلام جلوگیری از ظلم و ستم را هر چند به قیمت جنگ با ظالم تمام شود، لازم شمرده است و بهای اجرای عدالت را از خون مسلمانان نیز بالاتر دانسته است، «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي» (حجرات، ۹) و این در صورتی است که مساله از طرق مسالمت‌آمیز حل نشود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۶۷) و اگر در میان متخاصمین حقی پامال شده، یا خونی ریخته شده که منشا درگیری و نزاع گشته است، باید آنهم اصلاح شود، و گرنه اصلاح بالعدل نخواهد بود. «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۶۸)

«فَاعْتَدِلُوا وَلَا تَوْكَانُوا قُرْبَى» در داوری‌ها به ناحق جانب آن کس را که دوستش می‌دارید رعایت ننموده و حق آن کسی را که دوستش نمی‌دارید، باطل نسازید. (انعام، ۱۵۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۹) و در آیه ۳۵ سوره اسراء «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» بودن و رعایت پیمانانه از این جهت است که اگر مردم «أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» را عمل کنند و کم نغروشند و زیاد نخرند، رشد و استقامت در معیشت را رعایت کرده‌اند، اگر کیل و وزن به طور عادلانه جریان یابد زندگی و اقتصادشان رشد کرده و پایه‌های تمدن و حکومتشان استقامت می‌یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۵) پس امنیت در گروه عدالت و رعایت حق می‌باشد. آن حاکم و قاضی که طبق ما انزل الله حکم نکند از ستمکاران است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۶۴) این قانون مهم اسلامی زیربنای یک جامعه سالم انسانی است و هیچ جامعه‌ای خواه مادی یا الهی بدون اجرای این اصل، سامان نمی‌یابد. همیشه در اجتماعات، برخوردها و تضادها و اصطکاک منافع وجود دارد که باید با حکومت عادلانه، حل و فصل شود تا هر گونه تبعیض و امتیاز نابجا و ظلم و ستم از جامعه برچیده شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۱)

آیه ۸ سوره مائده، آیه ۵۸ سوره نساء، آیات ۴۲ و ۴۵ سوره مائده، ۳۵ اسراء، ۹ الرحمن و آیات بسیار دیگر نیز به موضوع رعایت قسط و عدالت پرداخته‌اند و بسیاری آیات در این زمینه، نشان از اهمیت والای آن دارد. تمدن اسلامی برای شکوفایی دوباره باید این اصل را در اولویت اعتقادی و اجرایی قرار دهد.

## ۶- نظارت همگانی:

آیه ۴۱ سوره حج به بُعد حکومتی امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد و آن را یکی از وظایف مهم حاکمان اسلامی می‌داند. «الَّذِينَ إِِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ ... وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم ... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۵۹) (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۱۳، ص ۱۶۸؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۴) بقاء یک تمدن در گروه میزان مراقبت و اهتمام آن ملت نسبت به اعتقادات و باورهای اصیل آن جامعه می‌باشد و در این راستا امر به معروف و نهی از منکر، در همه شئون اجتماعی، چه برای دولت و چه برای ملت از اصلترین راهکارها می‌باشد. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴) و به خاطر پاسداری از ارزشهایی که ضامن بقای جامعه است، ناگزیر می‌بایستی

گروهی باشند که خود را نذر خدا کرده باشند. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۸۵) امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت اجتماعی هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند، و آن را از هم متلاشی می‌سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. با امر به معروف و نهی از منکر، جامعه به جامعه ای زنده تبدیل می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵-۴۱)

این روش مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می‌گردد، و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمانهای حکومتی را مؤکد می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶) این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن اجرای بقیه وظائف فردی و اجتماعی است، و در حکم روح و جان آنها محسوب می‌شود، و با تعطیل آنها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰)

امام باقر ع می‌فرماید: «المظالم و تعمر الارض و یتتصف من الاعداء و یتستقیم الامر» امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۱۹)

در آیه ۱۹۹ سوره اعراف نیز امر به معروف و نهی از منکر مورد تأکید قرار گرفته است. «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» این است که اولاً به تمامی معروفها و نیکی‌ها امر بکند و در ثانی خود امر کردن هم به نحو معروف باشد نه به نحو منکر و ناپسند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۹۷)

آیه ۱۱۰ سوره آل عمران «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» از یک سو امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یکی از ویژگیهای معرفی می‌کند که سبب شده است اسلام برترین ادیان و امت اسلامی امت نمونه باشند و از سوی دیگر انجام این دو وظیفه را مقدم بر ایمان به خدا ذکر کرده است و این نشان می‌دهد که اگر این دو اصل اساسی مردمی در سطح عمومی پیاده نشود حتی تضمینی برای تداوم ایمان مردم وجود ندارد و سر انجام پایه های اعتقادی مردم فرو خواهد ریخت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۵۴-۲۵۵) و خطاب آیه نیز به مؤمنین است و این خود قرینه ای است بر اینکه مراد از کلمه ناس عموم بشر است. یعنی شما گروه مسلمانان بهترین امتی هستید که خدای تعالی آن را برای مردم و برای هدایت مردم پدید آورده و ظاهر ساخت. چون شما مسلمانان همگی ایمان به خدا دارید، و دو تا از فریضه‌های دینی خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهید. با اتفاق کلمه و در کمال اتحاد به حبل الله چنگ می‌زنید. و عینا مانند تن واحدی هستید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۸۳-۵۸۵)

در سوره اعراف آیه ۱۵۷ رسول خدا را پیغمبری درس نخوانده معرفی می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کرده و هر پاک و پاکیزه‌ای را بر بشر حلال و هر ناپاک و پلیدی را حرام می‌کند، و موانع و غل و زنجیرهایی را که مانع سعادت بشر است از دست و پای آنان باز می‌کند. امر به معروف، نهی از منکر، تحلیل حلال، تحریم خبائث، و برداشتن تکالیف شاقه، از مختصات اسلام است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶۲-۳۶۴)

اسلام و قرآن یگانه دینی است که در قالب بی‌روح امر به معروف و نهی از منکر، تا آنجا که ظرفیت داشته روح حیات دمیده و کار آن را که جز دعوت زبانی چیز دیگری نبود به جایی رسانید و آن قدر آن را توسعه داد که شامل جهاد با اموال و نفوس گردید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶۵) سکوت در برابر فسق و فساد و عدم قطع رابطه با ستمگران، شرکت در فسق و ظلم و موجب اشتراک با ظالمین در عذاب می‌باشد. «أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَيْتٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» آیه ۱۶۵ سوره

اعراف دلالت می‌کند بر یک سنت عمومی الهی، نه اینکه این روش تنها اختصاص به بنی اسرائیل داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۸۵)

«وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۳) کلمه تواصی به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است. تواصی بر حق عنوانی است وسیع‌تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادیات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی‌شود، ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف می‌شود و هم شامل عناوین مذکور. مؤمنین اهتمامی خاص و اعتنائی تام به ظهور سلطنت حق و گسترده شدن آن بر همه مردم دارند، و می‌خواهند همه جا حق پیروی شود. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۳۳) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۲)

آیه ۱۱۶ سوره هود، ۷۱ توبه، ۱۷ سوره لقمان، ۱۱۴ آل عمران، ۶۳ مائده و ۱۵۷ اعراف نیز به نصارت همگانی بر جامعه و حکومت اشاره دارند و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یکی از مهمترین شاخصه های تمدن اسلامی معرفی می‌کنند.

در میان مکتبها و مسلکها و دینها و آئینها تنها اسلام است که قدرت پاسخگوئی به همه نیازها را دارد. و همه ملت ها راهی نخواهند داشت، جز اینکه به اسلام ناب روی بیاورند. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۱) اسلام غلها و زنجیرهایی را که به دست و پا و گردن مردم جهان بسته شده است، پاره خواهد کرد و یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم خواهد ساخت. (مطهری، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۵۲) <sup>i</sup>

### نتیجه گیری:

تمدن اسلامی برترین و جامع ترین تمدنی می باشد که آینده بشریت را نوید بهبودی می بخشد و به دلیل سرچشمه گرفتن از آموزه های ناب الهی و مطابقت با نیازهای مادی و معنوی تمام ملتها، عالی ترین قابلیت های رشد، پیشرفت و جهانی شدن را دارا می باشد. قرآن کریم تأکید فراوانی بر تشکیل حکومت اسلامی دارد و در عمل به واقعیت پیوستن بسیاری از دستورات خود را منوط به تشکیل حکومت اسلامی می داند؛ و در آیات بسیاری به شاخصه هایی همچون عدالت، وحدت، امنیت، مشورت و امر به معروف و نهی از منکر و پرداخته، و این ملاکها را اصول و پایه های یک تمدن اصیل و قدرتمند الهی می شمارد و معیارها و ملاکهایی که برای حکومت اسلامی ارائه می نماید بسیار عمیق، و دامنه آن بسیار گسترده است به طوری که همه ملت ها را در بر می گیرد و برای تمامی بشریت آینده ای بسیار روشن را ترسیم می نماید.

### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۷ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ ششم، ۱۵ج.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۲۰ج.
۴. افراهم البستانی، فؤاد، منجد الطلاب (۱۳۷۷)، مترجم محمد بندر ریگی، قم: اسلامی، چاپ پانزدهم.
۵. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن (۱۴۱۶ق)، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۵ج.
۶. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع (۱۳۶۶)، تهران: صدر، چاپ ششم، ۷ج.
۷. تفتی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: برهان، چاپ سوم.

۸. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۷)، دین شناسی، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۳۰ج.
۱۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، چاپ اول، ۱۴ج.
۱۱. حسینی همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
۱۲. خانی، رضا و ریاضی، حشمت الله (۱۳۷۲)، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادة، اول، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
۱۳. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۴)، تاریخ تمدن مشرق زمین گهواره تمدن، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۴ج.
۱۵. شبر، عبد الله (۱۴۱۲ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغه، چاپ اول.
۱۶. طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۶ج.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۲۰ج.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه رضا ستوده، تهران: فراهانی، چاپ اول، ۲۷ج.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، مترجم: احمد امیری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۲ج.
۲۰. طیب، عبد الحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۴ج.
۲۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۵ج.
۲۲. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۳. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۲ج.
۲۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۰ج.
۲۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ۷ج.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۲ج.
۲۷. قطب، سید، فی ظلال القرآن (۱۴۱۲ق)، بیروت- قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم، ۶ج.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۲ج.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه، چاپ سوم، ۶ج.
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۱۰ج.
۳۱. محدث نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۲۸ج.
۳۲. مدرس‌سی، محمد تقی، تفسیر هدایت (۱۳۷۷)، مترجم: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۳۳. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴ج.

۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ اول.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا، چاپ اول.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۸)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، چاپ اول.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا، چاپ دوم.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، حماسه حسینی، تهران: صدرا، چاپ نوزدهم.
۴۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا، چاپ بیست و هفتم.
۴۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۷ج.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۲۷ج.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، پیام قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ دوم، ۱۰ج.
۴۴. میرزا خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیة، ۸ج.
۴۵. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ اول.
۴۶. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۸)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف، چاپ شانزدهم.

یادداشت ها:

---

i. در آیاتی نظیر طلاق، ۱۲ (ر.ک، قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۵۳)، (بقره، ۱۲۹ - ۱۵۱ - ۱۵۹ - ۲۶۹ ر.ک. مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۲۸ و (نحل، ۴۳) (ر.ک، ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۸۸) و آیاتی بسیاری دیگر بحث آموزش و پرورش و علم و علم آموزی را به عنوان یکی از پیش‌برنده ترین شاخصه های تمدن اسلامی معرفی کرده اند که موجب اعتلای هر تمدنی می باشد و عامل اصلی دستیابی به رفاه اجتماعی می باشد. (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۷۴-۲۹۰) همچنین آیات (حج، ۴۱) (ر.ک، خانی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۱۰۸)، (مائده، ۲۰) (ر.ک، میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۷۶)، (ص، ۳۵)، (نساء، ۵۴) و (آل عمران، ۲۶) و برخی آیات دیگر بر لزوم تشکیل حکومت تأکید دارند و آن را رکنی اساسی از ارکان اصلی بقاء اجتماع معرفی می کند. (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۲ - ۲۶)